

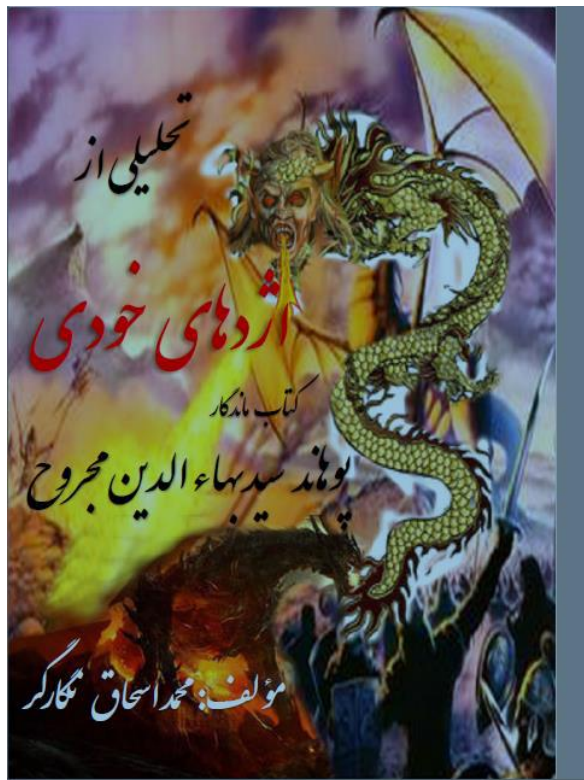


۲۰۱۸/۰۶/۱۷



م. اسحاق نگارگر

تخلیبي از اژدهای خودی



قسمت سی و دوم

تحلیلی از ارزدهای خودی کتاب ماندگار پوهاند بهاء الدین مجروح



ارزدهای خودی



قسمت سی و دوم

پایان انقلاب های توأم با خشونت

۳ فروری ۲۰۱۵

بخش اول

دیگر دوران انقلاب های همراه با خشونت به پایان رسیده است

روز چهارشنبه یازدهم ماه فروری ۲۰۱۵ یک سال دیگر بر سال های شهادت مرحوم أستاذ بهاء الدین مجروح افزود می شود و من پس از مراجعه به یادداشت های خود ملنفت گردیدم که فصل اخیر کتاب ارزدهای خودی او را در تحلیلی که بر این کتاب نگاشته بودم مورد بحث قرار نداده ام و نتیجه ای را که از این کتاب باید می گرفتم نگرفته ام از این جهت یک بار دیگر به سراغ آن کتاب می روم و کم از کم دو سه یادداشت خود را وقف تحلیل فصل آخر این کتاب می کنم و بر نتایجی که از این تحلیل به دست می آید مکث می نمایم.

امروز دنیای اسلام در گیر پراکندگی های عقیدوی بسیار درد انگیز است. تا بدانجا که مسلمانان خود پای را برای نابودیی همدیگر خود لُج کرده اند.

دلایل این کار چیست؟

این کار دو دلیل عمده دارد.

(۱) مسلمانان در چنگال رژیم های استبدادی و خونین گرفتار استند و این رژیم های خود کامه و استبدادی خیر خود را در جاهل نگاه داشتن مردم دیده اند و یک اکثریت قابل توجه، خود مستقیماً به دین دسترسی ندارند و دین را از زبان آخندهای کم سواد می شنوند.

حضرت سنایی در باب دوم حدیقه از سؤ استفاده های خرافاتی از قرآن چنین پرده بر میدارد:

نشدۀ در علوم آن راسخ	"کرده منسوخ حکم هر ناسخ
کرده بر مُحکمش معول کم	متشابه ترا شده مُحکم
وز پی عامه صورتِ آن را	تو رها کرده نور قرآن را
بهر یک من جو و دو کاسه سبوس	ساخته دست موزه سالوس
گاه سازی از او سلاح جدل	گه سرودش کنی و گاه مثل
یا نه کرباس بافِ کاهل را	گاه گویی رفیق جاهل را
پاک دار ای جوان مدار پلیذ	که نویسم ترا یکی تعویذ
خون مُرغ سیاه می باید	لیک هدیه پگاه می باید
شام تا چاشتی ز بهر شکم	این همه حيله بهریک دو درم
من چه گویم؟ برو که شرمت باد...!	عمر بر داده ای به خیره به باد
یا خرد یا اجل قرینت باد!	زین هوس شرم شرع و دینت باد!

با چنین خو و فضل و فرهنگت

شرم بادا که نیست خود ننگت

بدین ترتیب برای یک مشت جاهل و بی سواد مُشتی آخذ نیمه با سواد در کار است که از کلام الله برای تعویذ نویسی و جادو و جنبل استفاده کنند و اعلان شان نیز این باشد که برای کامیابی کاندید وکالت تعویذ های با تضمین بنویسند و یا برای عروسان ترسناک از زبان خشو با گرنتی تعویذ زبان بندی بنویسند. اما مگر آیا مردم برای همیشه نادان و بی سواد باقی می مانند؟

(۲) این تنها نیست باز عده ای به اصطلاح انقلابی های دو آتشفشان مسلمان داریم که از دین تنها خشونت و زور فهمیده اند.

سنایی آنان را نیز تنها نمی گذارد و قمچین شعر خود را بر شانۀ های شان کوفته در بارۀ شان می گوید:

همچو شمع آتشین کله باشد	آنکه در عشق شمع ره باشد
دد و دیوی و ز آدمی دوری	غافلی سال و ماه و مغروری

آدمی کی بُود گزنده چو تو دیو ودد کی بُود درنده چو تو
 سال و مه کینه جوی همچو پلنگ خلق عالم ز طبع تو دل‌تنگ
 هیچ خود بین خدای بین نشود مردِ خود دیده مردِ دین نشود
 تو چو بط باش و دُنیه آبِ روان
 ایمن از قعرِ بحرِ بی پایان

شما گروه های "داعش" و "آی سیل" را در نظر بگیرید که با چه بیرحمی و بی پروایی می توانند انسان ها را سر بپرند و یا زنده زنده در آتش بسوزانند. گرچه امروز اسلام شان را تاپه آمریکا و اسرائیل می زنند اما حضرت سنایی غزنوی برای ما می گوید که اینان در روزگار او نیز وجود داشته اند. خوارج که به دشمنی با حضرت علی (کرم الله وجهه) و معاویه برخاستند از همین قماش مردم بودند که آن دو را تکفیر کردند و جز خود شان هیچ مسلمانی برای شان وجود نداشت. اما ضعف رژیم های مسلمان بود که این اژدها را به گفته حضرت مولانا در گرمای عراق آورد و زنده ساخت. اینان ذهنیت عامه مردم جهان را بر ضد مسلمانان تحریک می کنند و هنگامی که دولت های مختلف افریقایی بر ضد "بوکو حرام" متحد می شوند من مسلمان نیز عمل شان را استقبال می کنم تا هرچه زود تر این حنظل یا تربوز ابوجهل را از پالیز اسلام بیرون افکنند. همین اکنون حملات طیاره های اُردُن بر "آی سیل" قرینه های سقوط اینان نیز است

۳ (و اما جوانان ما چه در چپ و چه در راست باید نبض عصر خود را به دست داشته باشند و بدانند که دوران انقلاب های توأم با زور و خشونت دیگر گذشته است و اقتصاد درهم بافته شده جهان به کسی اجازه نمی دهد که پویایی اقتصاد بین المللی را دچار رکود و عطلت کند. روزگاری "کارل مارکس" انقلاب را بدین گونه تعریف می کرد که آزاد کردن نیرو های مولد از زندان روابط تولید است. در اقتصاد جهانی شده امروز که صنایع اتوماتیک و کمپیوتری می شود دیگر نیروهای مولد ملی وجود ندارد و روابط تولید نیز در زندان مانده نمی تواند اقتصادی که برای بازار جهان تولید می کند کُندی آن روابط تولید را ندارد که برای اقتصادهای ملی تولید می کرد و پرولتر نیز دیگر آن پرولتر نیست که تصویرش را مارکس در ذهن داشت. امروز چین پرولتر بزرگ ترین استثمارگر قاره افریقا است و در حقیقت غر و فش های انقلابی دهه شست و هفتاد او برای همین بود که مرا نیز از این خوان یغما حق بدهید دیگر کاری به کار تان ندارم. به هر صورت من با این مقدمه در یادداشت آینده خود به سراغ فصل آخر اژدهای خودی می روم و دید اُستاد مجروح را در باره انقلاب و دگرگونی مطرح می نمایم. پس یار زنده صحبت باقی. تا صحبت آینده خدا نگاهدار دوستان باد! ۹ فیروزی ۲۰۱۵ برمنگم نگارگر



بخش دوم

بلای رهبری و جوامع عقب مانده

۱۰ فروری ۲۰۱۵

نفس ما هم کمتر از فرعون نیست

لیک اورا عون ومارا عون نیست

(مولانا-- مثنوی)

انسان بیچاره در چنگال اژدهای خودی و عنکبوت اوهام

می دانیم که دفتر استبداد خون آشام استالین در اتحاد شوروی سابق بسته می شود و جای آن دکتاتور خشن و بیرحم را خروسچف و همکارانش می گیرند و مناسبات شرق و غرب رو به بهبود می رود و خروسچف به سولژنتسین نویسنده ناراض روس اجازه میدهد که به امریکا سفر کند. رهگذر نیمه شب جریان را برای ما چنین قصه می کند:

"فردای آن کارفرمایان نو بر مسند حکمرانی نشستند، عفو عمومی اعلام کردند به مردم و عده های زندگی بهتر دادند، کار فرمایان گذشته را مسؤول فجایع گذشته دانستند و گناهکار و جنایتکار گفتند. گروه جدید فرمان روایان، دستگاه قدرت را به تدریج و با شدت تمام تر استحکام بخشیدند. احساس هنر و زیبایی، عشق و آزادی را از ریشه کردند." بالاخره شبی پاسبانان می آیند و دوست صاحبدل رهگذر نیمه شب را با خود می برند و اوراق پنهان شده در متکا را رهگذر نیمه شب در جامه های خود می دوزد و مخفی می کند.

رهگذر نیمه شب که در زندان مردی ضعیف العقل و مختل الحواس پنداشته می شد دیگر چندان مورد توجه پاسبانان نیست و پاسبانان حتی نامش را نیز از یاد برده اند. رهگذر نیمه شب از سرزمین ظلم آباد فرار می کند و راه دشوار و پُر از خار "میدان بامدادان خودی" را در پیش می گیرد. او وقتی داستان شهر ظلم آباد را به پایان می رساند به دوستان خود می گوید.... "اگر مشتاقید که از مقام آدمیت به دور نروید، رهزنان راه زندگی را از رهزنی باز دارید و خانه دل ها را از تارهای عنکبوت اوهام پاک سازید."

در این جا سه اصطلاح اُستاد بهاء الدین مجروح مرحوم اندکی توضیح به کار دارد.

الف) مقام آدمیت

ب) رهزنان راه زندگی

ج) عنکبوت اوهام و تار های عنکبوت اوهام

مقام آدمیت چنانکه حضرت مولانا می گوید مقام بیرنگی است که در آن فرزندان آدم به حساب رنگ پوست، نژاد، عقیده و مذهب از هم جدا نمی شوند. انسان در مقام بیرنگی با تنها کسی که در جنگ است هوی و هوس خود اوست. حضرت مولانا می گوید:

چونکه بیرنگی اسیر رنگ شد موسیقی با موسیقی در جنگ شد

مقام آدمیت مقام صلح کُل با خدا (ج) و مخلوقات خدا (ج) است و اما رسیدن بدین مقام آسان نیست و آدم با دو اژدهای خطرناک رو برو است. اژدهای اول همان اژدهای رنگ ها یا تعلقات است یعنی هنگامی که انسان اسیر خود باشد هر چیز را بهانه جنگ با دیگران می سازد. حتی دین که هدفش صلح و هماهنگی در میان انسان ها و دفع فساد از زمین است به یکی از سلاح های جنگ بدل می شود و آن که اسیر اژدهای خودی است هیچ انسان را همتای دینداری خود نمی داند و به جای اینکه انگشت ملامتی به سوی خود بگیرد همیشه به سوی دیگران اشاره می کند.

به قول حکیم غزنه

داده فتوی به خون اهل زمین از سر جهل و حرص و از سر کین

بنا بر این عقیده، ثروت، مقام اجتماعی هنگامی که به وسیله آزار دیگران بدل شد این ها همان راهزنان راه زندگی می شوند که انسان را از شاهراه اعتدال به سوی افراط یا تفریط می کشانند و به خود پرستی و دشمنی با دیگران وا می دارند که هم خواب راحت را از خودپرست و هم از دیگران زایل می کنند.

و اما اژدهای دوم که شیوه های پوشیده و تغییر قیافه داده همان اژدهای اول است و اُستاد مرحوم آنرا عنکبوت اوهام می خواند حالتی است که آدم شکار شده به وسیله اژدها خود را در جامه عقیده، دین و وطن پرستی افراطی پوشانده است. او هرگز به کس نمی گوید که من به حکم اژدهای درون خود با تو دشمنی می کنم بلکه این دشمنی را از جانب خود جامه صلاح و تقوی می پوشاند و از جانب مخالف جامه فساد و بیخدايي. به طور مثال شما به سوی کُشتار های بیرحمانه داعش و آی سل نگاهی بیندازید و آنرا با نص صریح کلام الله مقایسه کنید که می گوید: "هرکس بکُشد مؤمنی را با قصد و اراده جزای او برای همیشه دوزخ است!"

داعش و آی سل این آیه کلام الله را با عمل خود در تضاد می یابند اما هر دو اسیر اژدها هستند و نمی توانند از فرمان اژدها سر پیچی کنند بنا بر این با استمداد از عنکبوت اوهام نخست آنرا که می گشند باید از قلمرو مسلمانی طرد کنند تا توجیهی شرعی برای کُشتن او داشته باشند. اینان خوارج هستند و با استمداد از عنکبوت اوهام نُخست علی (کرم الله وجهه) را به جرم قبول حکمیت از اسلام بیرون می رانند و بعد از آن می گشندش یعنی تنها خود را فریب می دهند. آنکه داخل هتل سرینا می شود و تفنگ خود را به سوی دخترکی معصوم به نام نیلوفر نشانه می گیرد اگر برای فقط یک لحظه فکر کند که آن دخترک معصوم با جگرگوشه معصوم خودش هیچ فرق ندارد آب رأفت و رقت قلب سنگ

شده او را نیز می شکند اما عنکبوت او هام است که به او تلقین می کند که آن طفل معصوم را کافر و دشمن قبول کند و از کشتن او بر سینه مدال افتخار بکوبد.

امشب مجبورم این بحث را در همین جا پایان دهم و در فرصت دیگری به موضوع رهبری و بت خرد خام بپردازم. تا آن فرصت دوستان را به پروردگار یکتا می سپارم. والله اعلم بالصواب سه شنبه دهم فیروزی ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر

پایان قسمت سی و دوم

ادامه دارد

قسمت های اول تا بیستم این مطلب را با باز نمودن لینک های پایان می توانید مطالعه فرمائید:

قسمت اول:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱.pdf

قسمت دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲.pdf

قسمت سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madjrouh_۳.pdf

قسمت چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madjrouh_۴.pdf

قسمت پنجم:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_ajdahay_khodi_۵.pdf

قسمت ششم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madjrouh_۶.pdf

قسمت هفتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۷.pdf

قسمت هشتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۸.pdf

قسمت نهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۹.pdf

قسمت دهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۰.pdf

قسمت یازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۱.pdf

قسمت دوازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۲.pdf

قسمت سیزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۳.pdf

قسمت چهاردهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۴.pdf

قسمت پانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۵.pdf

قسمت شانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۶.pdf

قسمت هفدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۷.pdf

قسمت هژدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۸.pdf

قسمت نوزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۹.pdf

قسمت بیستم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۰.pdf

قسمت بیست یک

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۱.pdf

قسمت بیست دو

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۲.pdf

قسمت بیست و سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۳.pdf

بیست و چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۴.pdf

بیست و پنجم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۵.pdf

بیست و شش

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۶.pdf

بیست و هفت

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/1_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_27.pdf

بیست و هشت

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/1_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_28.pdf

بیست و نهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/1_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_29.pdf

سی ام

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/1_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_30.pdf

سی و یکم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/1_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_31.pdf

